

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتری نفیودوف (DMITRY NEFYODOV)

برگردان: ا. م. شیری

۱۱ می ۲۰۲۴

## یکشنبه خونین در الجزایر



سربازان فرانسوی در روزهای پیروزی بزرگ در مه ۱۹۴۵ در شمال آفریقا چه کردند؟

[هر چه به عمق تاریخ می‌روم، به این باور مطمئن‌تر می‌شوم: تا زمانی که رژیم‌های کنونی غرب از مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر دست برندارند و به خاطر جنایت‌های اسلاف خود در دوره استعمار و جنگ‌های تحمیلی بر بشریت جهان، از جنگ‌های صلیبی تا دو جنگ جهانی، جنگ سرد و جنگ‌های دوره حاضر، عذرخواهی نکنند و غرامت نپردازند، رژیم‌های غربی به لحاظ اخلاق انسانی هیچ‌گونه حق صحبت از دموکراسی (حاکمیت مردم) و حقوق بشر ندارند و در حال، به نظرم هر گونه باور به ادعاهای مقامات، طراحان و تبلیغات رسانه‌های آنها اگر از سر ساده‌لوحی و یا بلاهت نباشد، قطعاً دلایل خاص بی‌نیاز از توضیح دارد. - ا. م. شیری]

\*\*\*\*\*

روزی که جنرال فرانسوی ژان د لاتره د تاسینی سند تسلیم بی‌قید و شرط المان نازی را در ۸ می ۱۹۴۵ در کارلشورست امضاء کرد، هم قبیله‌های مسلح وی قتل عام خونینی را در الجزایر به اصطلاح «فرانسوی» که قانوناً بخش جدائی‌ناپذیر از جمهوری پنجم (نه قلمرو ماوراء بحار، مانند سایر مستعمرات فرانسه، بلکه بخش معمول آن) تا سال ۱۹۶۲ بود، به راه انداختند.

با الهام از پیروزی بر المان نازی، اعراب و بربرها که حدود ۸۵ درصد از جمعیت الجزایر را تشکیل می‌دادند، خواستار حداقل خودمختاری برای این کشور پهناور شمال آفریقا شدند که به عنوان موضوع سنتی آرمان‌های استعماری پاریس به شمار می‌رفت. مبارزه الجزایری‌ها برای استقلال در طول جنگ جهانی دوم متوقف نشد و طی آن فقط اقلیت

قاطع سربازان فرانسوی، به رهبری شارل دوگل، زیر پرچم ائتلاف ضد هیتلر به مبارزه برخاستند. حداقل ۲۰ هزار عرب و بربر الجزایری توسط گروه‌های تنبیهی وفادار به رژیم ویشی کشته شد. پس از این که امریکایی‌ها در نومبر ۱۹۴۲ در الجزایر فرود آمدند، ویشنیست‌های بومی با گلیست‌های «فرانسه آزاد» متحد شدند تا ارتش آزادیبخش فرانسه را که بسیاری از اعراب و بربرهای بومی (بیش از ۲۰٪) را در برمی‌گرفت، تشکیل دهند.

قلمرو الجزایر امروزی، سرشاز از نفت و سایر منابع طبیعی، نزدیکترین و قدیمی‌ترین مستعمره فرانسه از اواسط دهه ۱۸۳۰ باقی مانده بود. از آن دوره، فرانسوی‌ها پست‌های فرماندهی در تمام مناطق الجزایر را اشغال کردند و دستمزد کارکنان آن‌ها در این مستعمره، حداقل دو برابر الجزایری‌ها بود. یکی از بزرگترین سرپل‌های «فرانسه آزاد» در دوره جنگ («فرانسه آزاد» - سال ۱۹۴۲)، توسط جنرال دوگل تشکیل و رهبری می‌شد. [بر اساس منابع فرانسوی و الجزایری](#)، قبل از جنگ و اشغال این کشور استعمارگر توسط نازی‌ها در سال ۱۹۴۰، مهاجران اجباری الجزایری با کار استعماری خود کمتر از یک چهارم تولید ناخالص داخلی فرانسه را تأمین می‌کردند (رقم مربوطه در دهه ۱۹۵۰ - اوایل دهه ۱۹۶۰ به ۲۰ درصد می‌رسید).

مشارکت الجزایری‌ها به عنوان بخشی از سربازان دوگل در عملیات‌های نظامی هم در داخل و هم در اروپا که در ایتالیا، جنوب فرانسه و جنوب المان می‌جنگیدند، به رشد خودآگاهی ملی-سیاسی و ضد استعماری آن‌ها کمک کرد. در ماه می ۱۹۴۳، حزب خلق الجزایر که در سال ۱۹۳۷ با مشارکت کمونیست‌های محلی مخفیانه تشکیل گردید، علی‌رغم سرکوب توسط نیروی‌های استعماری، خود را علنی کرد و بلافاصله، «مانیفست ملت الجزایر» را منتشر کرد. خواسته‌های اصلی در این سند عبارت بودند از: لغو وضعیت استعماری الجزایر؛ برابری اجتماعی-اقتصادی و سیاسی الجزایری‌ها؛ توسعه و تصویب قانون اساسی مستقل از فرانسه؛ آزادی زندانیان سیاسی؛ کاهش و در سال‌های آینده خروج کامل نیروهای استعماری از کشور.

در پاسخ، جنرال ژرژ کاترو، فرماندار گلیست کشور، در جون ۱۹۴۳، اظهار داشت که او شخصاً «و فرانسه هرگز اجازه استقلال به الجزایر نخواهند داد. زیرا، وحدت آن‌ها ازلی است». این عقیده مورد حمایت شارل دوگل واقع شد و او مانند دیگر رهبران احزاب سیاسی فرانسه تا اوایل دهه ۱۹۶۰ اعلام کرد: «الجزایر یعنی فرانسه»! به رغم این، در ۸ می ۱۹۴۵، در ارتباط با تسلیم المان، قیام ضد استعماری در الجزایر آغاز گردید و تقریباً نیمی از خاک این کشور را به سرعت فراگرفت. درست همان روز، دستوری مبنی بر شلیک مستقیم به قصد کشتن از پاریس صادر و در ۹ می تصویب گردید. در عرض ۲ روز، حداقل ۲۵۰ نفر، از جمله، تقریباً ۱۰۰ فرانسوی کشته یا مفقود شدند.

بر اساس اطلاعات موجود، حزب خلق الجزایر با درخواست حمایت از قیام ضد استعماری به اتحاد جماهیر شوروی روی آورد. اما رویارویی با دوگل و حامیان او آشکارا جزو برنامه‌های مسکو در آن زمان نبود. این امر به ویژه در مورد متصرفات افریقائی فرانسه صادق بود و مقامات آن تا ۱۲ هزار پرسنل نظامی و انواع تجهیزات جنگی، از جمله، غنایم المانی و ایتالیائی را برای سرکوب شورشیان اعزام کردند. بسیاری از مناطق الجزایر، به ویژه مناطق شرقی، با بمباران گسترده و «پاکسازی» جمعیت غیرفرانسوی مواجه شد. از این «تجربه» در سال ۲۰۱۱، در مقیاس بسیار گسترده‌ای توسط مداخله‌جویان فرانسوی در لیبیا، کشور همسایه الجزایر در روند سرنگونی رژیم معمر قذافی استفاده شد...



آخرین واحدهای شورشی در ۱۶-۱۹ مه ۱۹۴۵ تسلیم شدند. اما، سرنوشت بیشتر جنگجویان آن‌ها هنوز مشخص نیست. در پایان ماه می، چند گروه شورشی پس از ترک مقاومت، توانستند به سمت لیبیای سابق ایتالیا حرکت کنند...



به گفته رسانه‌های فرانسوی و محلی، اجساد آنقدر زیاد بود که اغلب آن‌ها را به چاه‌ها، به دریا، به دره‌های کوهستانی و فاضلاب می‌انداختند. دادگاه‌های نظامی فرانسه در ماه‌های می و جولای ۱۹۴۵ برای ۱۳۰۷ الجزایری احکام ظالمانه صادر کردند: ۹۹ نفر به اعدام، ۶۴ نفر به زندان ابد با اعمال شاقه، ۳۲۹ نفر به زندان با کار سخت، ۳۰۰ نفر به حبس طولانی محکوم شدند.

بر اساس [آمار رسمی پاریس](#)، تعداد تلفات این قیام، ۸۸ کشته و ۱۵۰ زخمی از میان اروپائی‌ها و از میان الجزایری‌ها به ترتیب ۱۲۰۰ و ۱۵۰۰ نفر بوده است. اما ژاک ورژ، وکیل و مؤرخ مشهور فرانسوی، تعداد کشته‌شدگان الجزایری را حداقل ۱۰-۱۱ هزار نفر تخمین زد. به گزارش کنسولگری امریکا در الجزایر، تا ۱۷ هزار نفر از جمعیت این کشور کشته شدند. داده‌های رسمی الجزایر مستقل کنونی تعداد اعراب و بربرهای محلی را که در ماه می تا جون ۱۹۴۵ کشته و ناپدید شدند، تقریباً ۴۵ هزار نفر نشان می‌دهد.



الجزایر در جریان جنگ گسترده ضد استعماری مردم این کشور در سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۶۲، در سال ۱۹۶۲ استقلال خود را اعلام کرد (۱). اتحاد جماهیر شوروی، همه کشورهای سوسیالیست اروپای شرقی از نیمه دوم دهه ۱۹۵۰، مصر دوره جمال عبدالناصر و تونس پس از استقلال، از اواخر دهه ۱۹۵۰، کمک‌های نظامی-فنی به شورشیان ارائه دادند. شواهدی حاکی از [کمک لیبیای پادشاهی](#) آن زمان به شورشیان از اواسط دهه ۱۹۵۰ وجود دارد. زیرا، مقامات وقت لیبیا نیز به دنبال خلاصی از نزدیکی گسترده این کشور به مستعمرات فرانسه بودند (۲).

همانطور که می‌دانیم، فرانسه به دلیل شرایط خاص، در عین امضای سند تسلیم المان نازی به عنوان بخشی از بلوک ضد هیتلر، به سنت‌های استعماری باستانی خود وفاداری نشان داد و برای حفظ و افزایش سلطه خود در افریقا و همچنین در هندوچین مصمم بود. جنگ استعماری پاریس علیه ویتنام که در سپتامبر ۱۹۴۵ اعلام استقلال کرد، در پائیز همان سال آغاز شد. قابل تأمل این است که فرماندهی نیروهای فرانسوی در ویتنام در سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۵۱ را همان ژان د لاتره د تاسینی که در آغاز این یادداشت از او به نام امضاءکننده فرانسوی سند تسلیم المان یاد کردیم، بر عهده داشت. با این حال، جنگ فرانسه در سال ۱۹۶۲ در الجزایر، مانند جنگ ویتنام در سال ۱۹۵۴ با شکست مداخله‌جویان فرانسوی به پایان رسید و امروز ما شاهد فرار عجولانه آن‌ها از ساحل، از جایی هستیم، که فرانسوی‌ها در طول دهه‌ها در دوره پسااستعماری احساس آسودگی بیشتر می‌کردند...

### پی‌نوشت:

(۱) - فرانسه موفق شد منطقه فراسرزمینی «خود»- رگان در صحرای مرکزی الجزایر با مساحت یک میلیون و ۸۰۰ هزار کیلومتر مربع را تا سال ۱۹۶۶ حفظ کند. در اینجا اورانیوم استخراج شد (هنوز هم استخراج می‌شود) و میدان آزمایش راکت هسته‌ای فرانسه محسوب می‌شد.

(۲) - الجزایر «فرانسه» (تا سال ۱۹۶۲)، علاوه بر مرز با لیبیا تا اواسط سال ۱۹۶۰، با «افریقای استوائی فرانسه» از جنوب غربی، با «افریقای غربی فرانسه» و تونس «فرانسه» تا سال ۱۹۵۶ در شمال غربی هم‌مرز بود.

برگرفته از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۲۱ اردیبهشت- ثور ۱۴۰۳